

متن پرسش

بسم الله و السلام بر استاد معزز، حاج آقای طاهرزاده در نقد سخنان اخیر آقای رئیس جمهور در تمجید از حجم وسیع خیریه ها و موقوفه ها در غرب و طعنه های جدید ایشان به انقلابی ها تحت عنوان «افراطی» مطلب زیر را عجالتاً در کانال تلگرامم منتشر کردم. مناسب دیدم در صورت صلاح دید حضرت عالی آن را به رؤیت دوستان برسانم. سخنان مورد نظر آقای رئیس جمهور: وی با بیان اینکه خیرجمعی معنای وسیعی دارد، اظهار داشت: گفتمان ما خیلی در جامعه سیاست زده شده، اشکال ندارد گفتمان سیاسی هم لازم و خوب است اما گفتمان ما مقداری هم اجتماعی و خیرجمعی بشود، فستقبل خیرات همین است که به ما می گوید آنقدر سر این مسائلی بحث نکنید که خیلی مفید برای جامعه شما نیست، شما الان در غرب نگاه کنید و ببینید که دانشگاه های اروپا و آمریکا چه مقدارش از درآمد اوقاف آن دانشگاه اداره می شود، دانشگاه هاروارد آمریکا موقوفاتش بیش از ۳۳ میلیون دلار است، مردم خیر و مختلف کارخانه شان زمینشان و هر چه دارند به این دانشگاه وقف کرده اند و سالی ۱.۵ نت ۲ میلیارد دلار از طریق درآمد این اوقاف به دانشگاه می رسد، این دانشگاه نصف مخارج خود را از طریق مؤسسات خیریه و اوقاف تأمین می کند، ۷۰ دانشگاه بزرگ آمریکایی بخش زیادی از مخارجشان از طریق اوقاف به دست می آید. روحانی تأکید کرد: افرادی ثروتمند هستند که تمام زندگیشان را برای یک دانشگاه معتبر وقف کرده اند، البته در کشور ما هم زیاد است و قبلاً بیشتر در حوزه های علمیه، مساجد و امامزاده ها این وقف ها صورت می گرفت، این طور نیست که فکر کنیم در دنیای غرب وقف، نذر، کمک نیست، این همه خانواده هایی که در غرب یک فرزند را از بهزیستی می آورند و به عنوان فرزندخوانده می پذیرند و واقعاً به عنوان یک فرزند با او رفتار می کنند، ما وقتی می گوئیم غرب فکر می کنیم یکسری مفاسدی در غرب است و همه مفاسد هستند در حالی که اینطور نیست زیرا اگر همه اش مفاسد بود به این رشد علمی و اقتصادی نمی رسیدند، بله، گوشه هایی از آن هم آلوده است که البته ما خوب هایش را یاد بگیریم و آن بخش های مثبتش را دریافت کنیم. --- بسم الله چند نکته در مورد تمجیدهای اخیر آقای روحانی از غرب با استناد به تعداد بالای به ظاهر خیریه ها در آمریکا آن هم بعد از آشکار شدن نشانه های بحران های وخیم اجتماعی در آمریکا که مقام رهبری هم اخیراً بدان اشاره کردند. آری بنا به نگاه ظاهری در آمریکا صدها مؤسسه خیریه و بنیاد وقف فعال هستند. آقای روحانی در این آمار نشانه هایی از اخلاق و خیراندیشی و انسان دوستی در غرب می بینید آن هم لابد در سطح بسیار وسیع چون مجموع دارایی های این خیریه ها به صدها میلیارد دلار می رسد!! اما چند نکته در اینجا شایان ذکر است: ۱. تأسیس بنیادهای خیریه یکی از شایع ترین راه

های اجتناب از مالیات در غرب است چرا که این مؤسسات بنا به قانون امریکا از مالیات معاف هستند! لذا اگر کسی بخواهد یک فعالیت تجاری کند اگر بتواند آن را در قالب عناوین عام المنفعه که برای بنیادها تعیین شده انجام دهد سود بیشتری عایدش خواهد شد! چه قدر خیرخواهانه؟ مگه نه؟ ۲.

تأسیس بنیادها و ارائه کمک های مالی به گروه های مختلف از طریق آنها عملاً منجر به نوعی سیادت و نفوذ بر آن گروه ها می شود! چرا که به طور کلی همیشه یکی از راه های کنترل انسان ها به دست گرفتن منشأ درآمد آنها است! لذا اگر شما تأمین هزینه های یک مثلا کلیسا یا حزب یا دانشگاه را به عهده گرفتید می توانید عملاً سیاست ها و اولویت های آن را تعیین کنید! دوستان حالا می توانند حدس بزنند که فعالیت های به اصطلاح خیریه می تواند اغراضی کاملاً سیاسی و مالی داشته باشد! ۳.

به طور کلی خاصیت نگاه سطحی و جزءنگر و غیرکیفی این است که صرفاً به عناوین حقوقی و مفهومی نهادها و فعالیت های بشری توجه می کند و مثل کسی که کیفیت یک کتاب را از روی رنگ جلد آن یا مرغوبیت یک محصول غذایی را از روی جذابیت برچسب روی آن ارزیابی می کند شیفته آن نهادها و آدم ها شود! این یعنی مثلاً مثل آقای رئیس جمهور صاحب نگاه جزءنگر تمجیدکننده از بنیادها و خیریه های آمریکایی اصلاً به این نمی اندیشد که مشروعیت کار یک خیریه و بنیاد موقوفه به صدها عامل کیفی بستگی دارد مثلاً این که منشأ پولی که صرف درآمد خیریه می شود چیست؟ یک مثال خیلی واضح بزنم مثلاً اگر یک سرمایه دار آمریکایی که صاحب کارخانه مشروب سازی یا کازینو یا مؤسسه ربوی است بیاورد یک کلیسا در امریکا تأسیس کند و در آن کلیسا مسیحیت صهیونیستی را ترویج کند آیا این کار به اصطلاح خیریه را باید تمجید کرد و به سرجامه ای کوبید که پرورش دهنده اسوه های حقیقی انسانیت از مکتب حقه تشیع مثل خمینی و بهشتی و چمران و همت و باکری بوده است؟! ۴. در جامعه ای که هیلاری کلینتون فاسد، دروغ گو و جنگ طلب یتیم خانه دارد و در به طور کلی در جامعه ای که فرهنگ پول پرستی و سودانگاری و ماتریالیسم حاکم است آیا اصلاً زمینه های اخلاقی و روانی لازم برای کارهای خیر حقیقی وجود دارد یا این که این عناوین همگی دست مایه ای هستند برای تزویر و فریب و نفاق؟! ۵. در میان بنیادهای خیریه و موقوفه آمریکایی نام های آشنایی چون بنیاد سوروس، بنیاد راکفلر، بنیاد کارنگی، موقوفه ملی برای دموکراسی (NED) و ... به چشم می خورد! این بنیادها همگی جزء بنیادهای عام المنفعه غیر انتفاعی در امریکا ثبت شده اند که کار ویژه شان انجام خدمات عمومی و خیرخواهانه است!! البته ماهیت حقیقی این بنیادهای خاص برای ماها باید آشنا باشد و نیاز به توضیح نداشته باشد. بنیادهایی که یکی از حوزه های فعالیت «خیریه شان» «گسترش دموکراسی و حقوق بشر» در خاورمیانه است! از جمله کارنامه اینها در این زمینه مثلاً سرمایه گذاری در پروژه هایی است که هدفش «تقویت دموکراسی» در کشورهای چون ایران، سوریه، روسیه، لیبی و عراق بوده است که همگی همزمان هدف تجاوزات، کودتاها یا دسیسه های امپریالیستی پنتاگون و سیای آمریکا با تشبث به همین عناوین خیرخواهانه بوده اند! جالب این که بعد از به ثمر نشستن فعالیت های کاملاً خیرخواهانه!! این بنیادها در راستای

«گسترش دموکراسی» در کشورهای هدف و براندازی دولت هایی که به ادعای آنها مخالف «خیرخواهی های دموکراتیک» آنها بوده اند، دولت های مهاجم آمریکا بازارها و پروژه های اقتصادی آن کشورهای فتح شده را در اختیار شرکت های مالک این خیریه ها و بنیادها قرار می دهند! و همه اینها مزد و پاداش ناچیز و ناقابلی بوده که در ازای فعالیت های کاملاً خیرخواهانه و غیرمنتفعت طلبانه صاحبان این بنیادها به آنها تقدیم شده است! ۶. سؤال دیگری که از میان صدها سؤال دیگر می شود مطرح کرد اینه که با وجو این همه بنیاد و موقوفه و خیریه در آمریکا علت این بحران اجتماعی، بزه کاری، بیش از ۴۰ میلیون فقیر و فاصله طبقاتی چیست؟ این سرمایه داران خیر چرا جمع نمی شوند جلوی این هیلاری کلینتون خیر و فمینیست و طرفدار همجنس بازی و خالق داعش را بگیرند تا خاورمیانه به صدقه سری خیرخواهی آنها کمی آرامش بگیرد؟ ۷. اصلاً از همه اینها بگذریم. فرض کنیم آقای روحانی اصلاً لازم نیست از نظر علمی در جریان جزئیات موضوعی که می خواهد در مورد آن حرف بزند قرار داشته باشد! آیا صرفاً با یک قیاس عقلی ساده نمی توان گفت که با توجه به این که خدا انفاق و احسان را برای برقراری قسط و عدالت در جامعه تشریح کرده است، اگر در جامعه ای که علی الظاهر میلیاردها دلار به طور سالانه صرف کارهای خیریه می شود این همه فقر و بزه کاری و منازعات نژادی و فاصله طبقاتی وجود داشت پس باید کاسه ای زیر نیم کاسه این همه کار خیر و موقوفه ها باشد؟! اُفلا تعقلون؟! منتظریم ببینیم آقای روحانی بسان دیگر غرب زده ها و غرب گرایان دیگر چه جور فضیلتی در تمدن متری و دموکراتیک و بشردوست غرب می بینید تا ما را بدان آگاه کند و از تفکرات افراطی مان خارج مان کند!

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! باید خوبی های هر ملت و فرهنگی را گرفت و با حفظ هویت خود، از آن ها استفاده کرد و متفکران دنیا ماورای سیاستمداران، ما را متوجهی این امر کرده و می کنند. مشکل در آن جا به وجود می آید که کار در دست سیاستمدارانی بیفتد که تلاش دارند با اهداف صرفاً سیاسی و حزبی و گروهی فرهنگ ها را در اختیار خود بگیرند. و این تذکر مهمی است که کارل اشمیت به حيلهی لیبرالیسم می دهد که چگونه فرهنگ را در اختیار اهداف سیاسی قرار می دهد تا سودجویی و کینه به انسان ها را پنهان نماید. و مشکل آقایان آن است که متوجهی تفاوت این دو موضوع نیستند که چگونه امروز همان طور که جنابعالی متوجه اید، سیاستمداران، مراکز فرهنگی و خیریه ها را در اختیار می گیرند تا به اهداف گروهی و حزبی خود برسند نه آن که اهداف انسانی مد نظر باشد، آن طور که همیشه در همه ی فرهنگ ها با نظر به اهداف انسانی کارهایی شده و می شود. آیا ما امروز با دانشگاه آزادی روبه رو نیستیم که بعضی از هزینه های نامزدهای فتنه ی ۸۸ را پشتیبانی کرد؛ در حالی که مردم ما به امید تحقق دانشگاهی غیر از دانشگاه های ساخته و پرداخته ی دنیای مدرن اموال خود را وقف آن دانشگاه کردند؟! موفق باشید

